



ماجرای جده ربطی به دولت عربستان ندارد!

مخالفت وزارت خارجه با تجمع دانشجویان مقابل سفارت سعودی

تیتروهای روز

ناوهای ایالات متحده صنعا را موشک باران کردند

ورود آمریکا به جنگ یمن

کشورهای عربی بر ادامه جنایت در یمن تأکید دارند



انتظار ۴ساله برای تجمیع بیمه‌ها!

۱۷ساز مخالف از سمفونی بیمه‌ها

تکرار اشتباهات تکراری آبی‌ها

مخاصمه دیپلماتیک ایران و غرب با نگاهی به نیچه و فلسفه‌ورزی او

جنگ برد-برد با خصم ملوس

نگاه

اندر حکایت شکایت وزیر نفت از پرداخت یارانه منت بر سر ملت!؟

محسن جندقی

وزیر نفت در اولین نشست خبری خود در سال جدید ادعاهای قبلی درباره ضربه‌ای که یارانه‌ها به بودجه می‌زند را تکرار کرد و گفت: سال گذشته روزانه ۱۲۵ میلیارد تومان برای یارانه پرداخت کردیم و این در حالی است که به خاطر مشکلات حقوق در بعضی موارد با اعتراض کارگران مواجه بودیم. بیزین نامدارزنگنه از همان روزهای اول که بر صندلی وزارت نفت یازدهم نشست درباره یارانه و بودجه نفت همین‌طور سخن گفته است. موضوعی تند علیه حق قانونی مردم داشته است. ذکر چند نکته درباره لحن طلبکارانه زنگنه و آمار عجیب و غریب وی درباره درآمد نفتی و یارانه ضروری است:

۱- آقای وزیر نفت با لحنی غیرطبیعی می‌گوید روزانه ۱۲۵ میلیارد تومان برای یارانه پرداخت کردیم... این گفته با این ترتیب کلمات گویبی به معنای این است که شخصی وزیر یا وزیرتازه‌ای از جیب خود چنین پولی را پرداخت می‌کند و منت سر یارانه‌بگیران و مردم می‌گذارد. طبق قانون اساسی و قانون بودجه سنوات قبل درآمد وزارت نفت از محل فروش نفت و مشتقات آن برای خزانه و دولت و به عبارت بهتر برای ملت است. وزیر محترم ۲۰ ماه است با لحن طلبکارانه سخن می‌گوید و به خاطر یارانه منت بر سر ملت می‌گذارد در حالی که همین وظایف را قبل از وی نیز وزارت نفت انجام می‌داد.

۲- زنگنه از همان بدو ورود مجدد به وزارت نفت فقط از مشکلات گفت و تهمت‌های رنگارنگ به دیگران زد و تازیانه گفته‌های وی همواره صورت یارانه‌ها را نوازش داد. زنگنه به این خاطر آمده بود که نفت را نجات دهد و پروژه‌های بزرگ نفتی را به سرانجام برساند و راه‌های دوزخین تحریم را به بهترین نحو اجرایی کند اما او به جای ساماندهی گردان نفتی خود فقط از این و آن ایراد گرفته می‌گیرد. زنگنه مانند ژنرالی می‌ماند که فقط کمبودها را فریاد می‌زند و به جای روحیه دادن به نیروهای خود و کشور، سیاست تضعیف روحیه را در پیش گرفته و تازه منت هم سر دیگران می‌گذارد!

ادامه در صفحه ۱۱

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲



پاسخ عجیب وزیر امور خارجه به مطالبه افکار عمومی: توافقی نشده که گفت‌شیت آن را منتشر کنیم

فکت شیب!؟

جو بایدن، معاون اوباما: در صورتی که تهران به دنبال برداشته شدن تمام یا بخش زیادی از تحریم‌ها در ابتدای توافق هسته‌ای باشد، توافقی صورت نمی‌گیرد

آخرش هم نفهمیدیم مردک آلمانی چه مرگش بود!؟

حسین قدیانی

مشکل روحی حاد پیدا می‌کنند، برای خود نسخه خودکشی تجویز می‌کنند، نه دیگرکشی! حیف که حضرت کمک‌خلبان، خودش هم از این دنیا رخت بربست و الا غرب، دقیقاً و عیناً همان بت لاتی است که اگر هواپیمای مسافری را هدف بگیرد، ایبایی از اعطای جایزه و درجه به تو ندارد! این بدبخت که خودش هم قربانی شد، لاید نزد «لات»‌های غربی مقرب‌تر باید باشد! فقط حیف که نیست تا دم‌ش را گرم کند! صدراعظم آلمان آیا زبنده‌تر نیست که به جای فضولی درباره سانتریفیوژهای ایرانی به



نور می‌شوند به کنار، رسماً فرهنگ شهادت را می‌زنند! این همه منافقند این جماعت! شما فکر می‌کنید همین شبه‌سنت مسخره این دنیا رخت بربست و الا غرب، دقیقاً و عیناً همان بت لاتی است که اگر هواپیمای مسافری را هدف بگیرد، ایبایی از اعطای جایزه و درجه به تو ندارد! این بدبخت که خودش هم قربانی شد، لاید نزد «لات»‌های غربی مقرب‌تر باید باشد! فقط حیف که نیست تا دم‌ش را گرم کند! صدراعظم آلمان آیا زبنده‌تر نیست که به جای فضولی درباره سانتریفیوژهای ایرانی به

امراض روحی خلبان‌های آلمانی بپردازد؟ آنی تصور کنید این حادثه در همین ایران خردمان حادث می‌شد. واکنش صدراعظم اجنبی قابل پیش‌بینی نمی‌بود، لیکن به راحتی می‌شد تیتیر یک غریبه‌های داخلی را تصور کرد! ویژه‌نامه درمی‌آوردند p صفحه، پر از لگد به خودباوری! اکثر ترکان آنگوشت بزباش را به رخ خلبان‌های بومی می‌کشید، صادق زیباکلام ضمن توجه دادن آقای رفسنجانی به وظیفه تاریخی‌اش در این باره، اینقدر استعدادش را لاید می‌داشت که ۲ جمله هم در مدح کمک‌خلبان‌های کارلبد اسرانیلی قلمی کند، احمد شیرزاد موضوع را به هوسانه ربط می‌داد و مدعی می‌شد فلان و بهمان، بعد هم جناب عالیجناب پا وسط می‌گذاشت و بنا می‌کرد خاطره‌گویی، پیرپاتالی هم بالاخره در آن بلبسوی فرضی پیدا می‌شد که حضرت را دعوت کند برای سفر به فلان قبرستان، ترجیحاً عربستان تا مثلاً کار را به کاردار سپرده باشد. حتم دارم رنگ لوگوی این ویژه‌نامه را اگر نه این‌بار با رنگ طیاره‌های داعش که با قر و فر برند «لوفت‌هانزا» و زیرمجموعه‌اش «ژرمن وینگز» ست می‌کردند! آری! همچنین غریبه‌هایی داریم ما! کجایی جلال ال قلم؟ که «غریب‌زدگی» جلدهای قطورتری می‌خواهد! اما خب! چون حادثه در فرانسه اتفاق افتاده، طیاره غربی بوده، کمک‌خلبان هم آلمانی، پس صلحت غریبه‌زده‌ها در سکوت است! حالا خدا نکند، از میان این همه اتوبوس راهبان نور، برای یکی‌اش اتفاقی رخ دهد، خواهان تعطیلی راهبان

یادداشت روز

اصلاحات ضروری در چارچوب لوزان

مهدی محمدی

آقای دکتر ظریف اعلام کرده است دستور کار مذاکراتی که از سه‌شنبه آینده میان ایران و ۱ و ۵ آغاز می‌شود، نگارش متن توافق نهایی است. در خوش‌بینانه‌ترین حالت، این اعلام به معنای پیرش از روی همه آن مباحثی است که از ۱۳ فروردین تا به حال در محیط رسمی و کارشناسی کشور در باب خروجی مذاکرات لوزان انجام شده است. اگر همه آن بحث و گفت‌وگوها - که اوج آن فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی در روز ۲۰ فروردین بود- یک نتیجه داشته باشد، آن نتیجه این بوده است که چارچوب تفاهم شده در لوزان - لاقلاً در برخی موارد - به طور جدی نیازمند مذاکره مجدد است و این چارچوب یک نقطه شروع مناسب برای نگارش متن توافق نهایی نیست. تیم محترم مذاکره‌کننده هسته‌ای، پس از مذاکرات لوزان، به صراحت گفته است هنوز توافقی امضا نشده و بیانیه لوزان یک متن الزام‌آور نیست. بالاتر از آن، رهبر معظم انقلاب اسلامی تأکید فرمودند اساساً امر قابل اعتنایی در لوزان تولید نشده و بنابراین حتی درباره خوب یا بد بودن آن هم فعلاً داوری نمی‌توان کرد. منتها تفاوتی که وجود دارد این است که تیم مذاکره‌کننده، بیانیه لوزان را نقطه شروعی برای نگارش متن توافق نهایی می‌داند در حالی که آنچه از فرمایش رهبر معظم انقلاب اسلامی بر می‌آید این است که حداقل درباره ۴ موضوع غنی‌سازی، تحقیق و توسعه، تحریم‌ها و دسترسی‌ها و بازرسی‌های آژانس، تفاهم لوزان فاصله‌ای معنادار از اصول پایه‌ای دارد که تیم مذاکره‌کننده موظف به رعایت آنها در هرگونه تفاهم احتمالی شده بود. در حالی که این فاصله پر نشده، ورود به فاز نگارش متن توافق نهایی، معنایی جز بنا نهادن ساختمان کار به این شکل پیش برود فدرادی روز نهم تیر ماه، وضعیت بسیار بدتر از فرادی مذاکرات لوزان خواهد بود. اگر فرض کنیم آنچه در لوزان تفاهم شده در واقع اصول و پارامترهای بنیادین یک توافق نهایی بلندمدت میان ایران و ۵+۱ بوده، این اصول عمیقاً نیازمند بازاندیشی است. عمده تیم‌های مذاکره‌کننده در نهایی کردن یک تفاهم سیاسی، در حالی که هنوز ۳ ماه دیگر برای اتوادم مذاکرات فرصت داشتند، یکی از اصلی‌ترین دلایل مسأله‌دار از آب درآمدن تفاهم لوزان است. نه دولت آقای روحانی و تیم مذاکره‌کننده‌اش و نه دولت دموکرات پاراک اوباما در واشنگتن نتوانستند یک تفکیک معنادار میان مذاکرات هسته‌ای و الزامات سیاست داخلی خویش به عمل آورند و از جمله، هر دو، این مذاکرات را به مثابه بخشی از یک کمپین انتخاباتی در نظر گرفته‌اند. در نتیجه، منطق هسته‌ای و امنیت ملی مذاکرات روز به روز کاهش پیدا کرده و نوعی الزام سیاسی به توافق به هر قیمت به جای آن نشسته است. به همین دلیل است که وقتی از منظر هسته‌ای به پارامترهای توافق شده در لوزان نگاه می‌کنیم، نوعی شتابزدگی در تمام ابعاد و زوایای آن دیده می‌شود؛ گویی چندان مهم نبوده که چه چیز داده و چه چیز گرفته می‌شود بلکه اصل بر این بوده که حتماً بدبستانی انجام شود و ۲ طرف از مرحله‌ای که هنوز معلوم نیست توافق می‌شود یا نه، عبور کرده و وارد مرحله‌ای شوند که در آن اصل توافق قطعی است و چانه‌زنی هم اگر لازم است صرفاً بر سر جزئیات است.